



مرکز تحقیقات اسلامی

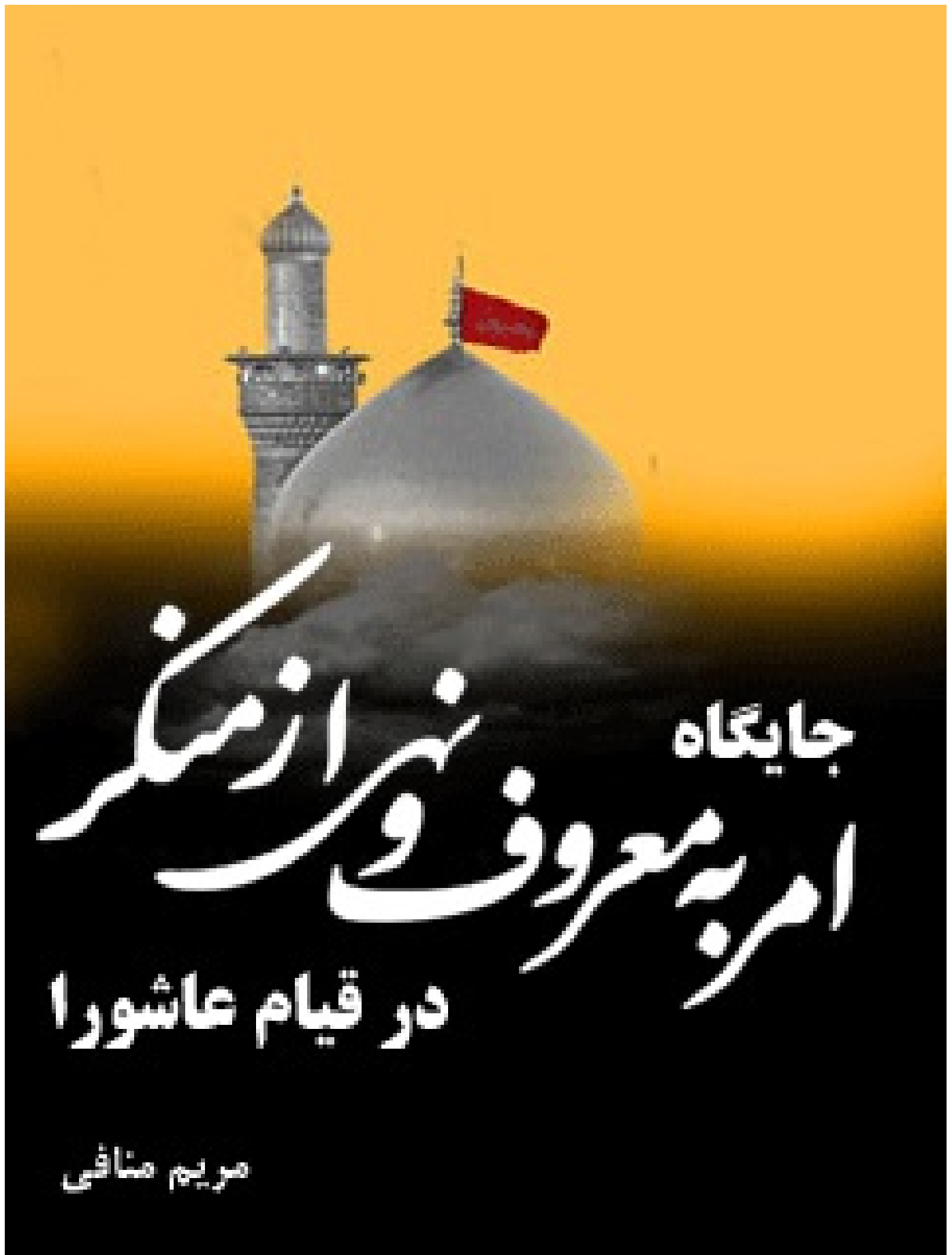
اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



جایگاه
امروز معروف و
نیز از مسکن
در قیام عاشورا

مریم منافی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در قیام عاشورا

نویسنده:

مریم منافی

ناشر چاپی:

موسسه فرهنگی تبیان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

| | |
|----|--|
| ۵ | فهرست |
| ۶ | جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در قیام عاشورا |
| ۶ | مشخصات کتاب |
| ۶ | حرف اول |
| ۶ | مقدمه |
| ۷ | ارزش عامل امر به معروف و نهی از منکر |
| ۸ | تمسک امام حسین به اصل امر به معروف و نهی از منکر |
| ۹ | امام حسین شأن امر به معروف و نهی از منکر را بالا برد |
| ۹ | اصلی که ضامن بقای اسلام است |
| ۱۰ | کم اهمیت شدن این اصل در دنیای اسلام |
| ۱۱ | امر به معروف و نهی از منکر در قرآن |
| ۱۲ | حرف آخر |
| ۱۲ | درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان |

جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در قیام عاشورا

مشخصات کتاب

عنوان: جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در قیام عاشورا

پدیدآورندگان: مریم منافی (پدیدآور)

وضعیت نشر: قم: مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، ۱۳۸۷

نوع: متن

جنس: مقاله

الکترونیکی

زبان: فارسی

توصیفگر: قیام عاشورا

امر به معروف و نهی از منکر

حرف اول

(ان الله اشترى من المؤمنين انفسهم و اموالهم بان لهم الجنة يقاتلون في سبيل الله فيقتلون و يقتلون وعداً عليه حقاً في التوریه و الانجيل و القرآن و من اوفى بعهدہ من الله فاستبشروا ببيعکم الذی بايعتم به و ذلك هو الفوز العظيم). (التائبون العابدون الحامدون السائحون الراكعون الساجدون الآمرون بالمعروف و الناهون عن المنکر و الحافظون لحدود الله و بشر المؤمنین). «خدا، جان و مال اهل ایمان را به بهای بهشت خریداری کرده آنها در راه خدا جهاد می کنند که دشمنان دین را به قتل رسانند و یا خود کشته شوند. این وعده قطعی است بر خدا و عهدیست که در تورات و انجیل و قرآن یاد فرموده و از خدا با وفاتر به عهد، کیست؟ ای اهل ایمان شما به خود در این معامله بشارت دهید که این معاهده با خدا به حقیقت سعادت و پیروزی بزرگی است (بدانید که از گناه پشیمانان خدا پرستان حمد و شکر نعمت گزاران روزه داران نماز با خضوع گزاران امر به معروف و نهی از منکر کنندگان و نگهبانان حدود الهی و مؤمنان را (ای رسول ما، به هر ثواب و سعادت بشارت ده).

مقدمه

بحث ما درباره «عنصر امر به معروف و نهی از منکر در نهضت حسینی است اولاً بحث درباره این است که آیا این عنصر در نهضت حسینی دخالت داشته است یا نه و به عبارت دیگر آیا یکی از چیزهایی که امام حسین (ع) را وادار به حرکت و نهضت کرده امر به معروف بود یا نه؟ ثانیاً درجه دخالت این عنصر در این نهضت چه اندازه است در نهضت حسینی عوامل متعددی دخالت داشته و همین امر سبب شده است که این حادثه با این که از نظر تاریخی و وقایع سطحی طول و تفصیل زیادی ندارد، از نظر تفسیری و از نظر پی بردن به ماهیت این واقعه بزرگ تاریخی بسیار پیچیده باشد. ما در این حادثه به مسائل زیادی برمی خوریم در یک جا سخن از بیعت خواستن از امام حسین (ع) و امتناع امام از بیعت کردن است در جای دیگر دعوت مردم کوفه از امام و پذیرفتن امام است در جای دیگر امام به طور کلی بدون توجه به مسئله بیعت خواستن و امتناع از بیعت و بدون اینکه اساساً توجهی به این مسئله بکند که مردم کوفه او را دعوت کرده اند یا نه از اوضاع زمان و وضع حکومت وقت انتقاد می کند شیوع فساد را متذکر می شود، تغییر

ماهیت اسلام را یادآوری می‌کند، حلال شدن حرام‌ها و حرام شدن حلال‌ها را بیان می‌نماید و آن وقت می‌فرماید: «وظیفه یک مرد مسلمان این است که در مقابل چنین حوادثی ساکت نباشد». در این موضع می‌بینیم امام نه سخن از بیعت می‌آورد و نه سخن از دعوت حقیقت مطلب این است که همه این عوامل موثر و دخیل بوده است یعنی همه این عوامل وجود داشته و امام در مقابل همه این عوامل عکس العمل نشان داده است پاره‌ای از عکس العمل‌های امام بر اساس امتناع از بیعت پاره‌ای از تصمیمات امام بر اساس دعوت مردم کوفه و پاره‌ای بر اساس مبارزه با منکرات و فسادهایی است که آن‌زمان به هر حال وجود داشته است همه این عناصر در حادثه کربلا - که مجموعه‌ای است از عکس العمل‌ها و تصمیماتی که از طرف امام حسین (ع) اتخاذ شده - دخالت داشته است

ارزش عامل امر به معروف و نهی از منکر

باید دید که در میان این عوامل سه گانه (یعنی دعوت مردم کوفه تقاضای بیعت و امر به معروف و نهی از منکر)، ارزش کدام یک بیشتر از دیگری است البته ارزش این سه عامل در یک درجه نیست هر عاملی یک درجه معینی از ارزش را داراست و به این نهضت به همان درجه ارزش می‌دهد. ولی بیشتر از هر چیز عامل امر به معروف و نهی از منکر به چشم می‌آید؛ چون امام حسین (ع) از روز اولی که از مدینه حرکت کردند با شعار امر به معروف و نهی از منکر بود. از این نظر، مسئله این نبود که چون از من بیعت می‌خواهند و من نمی‌پذیرم قیام می‌کنم بلکه این بود که اگر بیعت هم نخواهند من به حکم وظیفه امر به معروف و نهی از منکر باید قیام کنم نیز مسئله این نبود که چون مردم کوفه از من دعوت کرده‌اند قیام می‌کنم بلکه مسئله این بود که دنیای اسلام را، منکرات فراگرفته است من به حکم وظیفه دینی به حکم مسئولیت شرعی و الهی خود قیام می‌کنم امام حسین (ع) روزی که از مدینه حرکت کردند در وصیت نامه‌ای که به برادرش محمد بن حنفیه می‌نویسد، می‌گوید: «انی لم اخرج اشراً و لا بطراً و لا مفسداً و لا ظالماً، انما خرجت لطلب الاصلاح فی امة جدی اريد ان آمر بالمعروف و انهي عن المنکر و اسير بسيرة جدی و ابی مردم دنیا بدانند که من یک آدم جاه طلب مقام طلب اخلاص لنگر، مفسد و ظالم نیستم من چنین هدف‌هایی ندارم قیام من قیام اصلاح طلبی است قیام و خروج کردم برای این که می‌خواهم امت جد خودم را اصلاح کنم من می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر بکنم در نامه به محمد حنفیه نه نامی از بیعت خواستن است و نه نامی از دعوت مردم کوفه و اصلاً مسأله مردم کوفه مطرح نبوده است بلکه اباعبدالله (ع) صریحاً به این عامل امر به معروف و نهی از منکر استناد می‌کند. مکرر از هدف خود، امر به معروف و نهی از منکر سخن می‌گوید، بدون اینکه اسمی از بیعت و دعوت مردم کوفه ببرد. این عامل ارزش بسیار بیشتری نسبت به دو عامل دیگر به نهضت حسینی می‌دهد. به موجب همین عامل است که این نهضت شایستگی پیدا کرده است که برای همیشه زنده بماند، برای همیشه یادآوری شود و آموزنده باشد. البته همه این عوامل آموزنده هستند ولی این عامل آموزندگی بیشتری دارد؛ زیرا نه متکی به دعوت است و نه متکی به تقاضای بیعت امام حسین (ع) با توجه به عامل امر به معروف و نهی از منکر، یک مرد معترض و منتقد است مردی است انقلابی و قیام کننده و یک مرد مثبت است دیگر، انگیزه دیگری لازم نیست همه جا را فساد گرفته حلال خدا، حرام و حرام خدا، حلال شده است بیت المال مسلمین در اختیار افراد ناشایسته قرار گرفته و در غیر راه رضای خدا مصرف می‌شود. پیغمبر اکرم (ص) فرمودند: هر کس چنین اوضاع و احوالی را ببیند، «فلم یغیر علیه بفعل و لا قول و درصدد دگرگونی آن نباشد و در مقام اعتراض برنیاید، «کان حقاً علی الله ان یدخله مدخله شایسته است (ثابت است در قانون الهی که خدا چنین کسی را به آنجا ببرد که ظالمان جابران ستمکاران و تغییر دهندگان دین خدا می‌روند و سرنوشت مشترک با آنها دارند. امام حسین (ع) به گفته جدش استناد می‌کند که در چنین شرایطی کسی که می‌داند و می‌فهمد و اعتراض نمی‌کند، با جامعه گنهکار خود سرنوشت مشترک دارد؛ پس قیام می‌کند.

تمسک امام حسین به اصل امر به معروف و نهی از منکر

حسین بن علی (ع) به اصل امر به معروف و نهی از منکر تمسک کردند و اثبات نمودند که من به این دلیل قیام کردم تا امر به معروف و نهی از منکر را زنده کنم او در زمان معاویه علائم و قرائتی نشان می‌داد که معلوم بود خودش را برای قیام آماده می‌کند. صحابه پیغمبر را در منی جمع کرد و برای آنها صحبت نمود. آنها را روشن کرد، حقایق را به آنها گفت و مفسدات او را برایشان نمایاند. فرمود: شما هستید که چنین وظیفه‌ای دارید. حسین (ع) در اواخر عمر معاویه نامه‌ای به او می‌نویسد و او را زیر رگبار ملامت خود قرار می‌دهد و از آن جمله می‌گوید: «معاویه بن ابی سفیان به خدا قسم من از اینکه الآن با تو نبرد نمی‌کنم می‌ترسم در بارگاه الهی مقصر باشم. می‌خواهد بگوید خیال نکن حسین امروز ساکت است درصدد قیام نیست من به دنبال یک فرصت مناسب هستم تا قیام من مؤثر باشد و مرا در راه آن هدفی که برای رسیدن به آن کوشش می‌کنم یک قدم جلو ببرد. اباعبدالله در بین راه و در مواقع متعدد به این اصل تمسک می‌کند و اسمی از اصل دعوت و بیعت نمی‌برد. عجیب این است که در بین راه هرچه قضایای وحشتناکتر و خبرهای مایوس کننده‌تر از کوفه می‌رسد، خطبه‌ای که حسین می‌خواند از خطبه قبلی داغتر است بعد از رسیدن خبر شهادت مسلم می‌فرمایند: «الا ترون ان الحق لا یعمل به و ان الباطل لا یتناهی عنه لیرغب المؤمن فی لقاء الله محققاً؛ آیا نمی‌بینید به حق عمل نمی‌شود؟ آیا نمی‌بینید قوانین الهی پایمال می‌شود؟ آیا نمی‌بینید این همه مفسدات پیدا شده و احدی نهی نمی‌کند و احدی هم باز نمی‌گردد؟ در چنین شرایطی یک نفر مؤمن باید از جان خود بگذرد و لقاء پروردگار را در نظر بگیرد» در چنین شرایطی باید از جان گذشت یعنی امر به معروف و نهی از منکر، اینقدر ارزش دارد. در یکی از خطبه‌های بین راه (بعد از تشریح اوضاع می‌فرمایند: «انی لا- اری الموت الا- سعاده ولا- الحیوه مع الظالمین الا برماً»). ایها الناس در چنین شرایطی در چنین اوضاع و احوالی من مردن را جز سعادت نمی‌بینم من مردن را شهادت در راه حق می‌بینم یعنی اگر کسی در راه امر به معروف و نهی از منکر کشته شود، شهید شده است من زندگی کردن با ستمگران را مایه ملامت می‌بینم روح من روحی نیست که با ستمگر سازش کند. از همه بالاتر صریح تر آن وقتی است که دیگر اوضاع صد در صد مایوس کننده است آن وقتی است که به مرز عراق وارد شده و با لشکر حر بن یزید ریاحی مواجه شده است هزار نفر مأمورند که او را تحت الحفظ به کوفه ببرند، در اینجا حسین بن علی (ع) خطابه معروفی را که مورخین معروفی امثال طبری نقل کرده‌اند، ایراد و در آن به سخن پیامبر تمسک می‌کند؛ یعنی به اصل امر به معروف و نهی از منکر تمسک می‌نماید: «ایها الناس من رأی سلطاناً جائراً مستحلاً لحرام الله، ناکثاً لعهد الله، مستأثراً لفیء الله، متعدیاً لحدود الله فلم یغیر علیه بقول ولا بفعل کان حقاً علی الله ان یدخله مدخله الا و ان هؤلاء القوم قد احلوا حرام الله و حرّموا حلاله و استأثروا فیء الله». یک صغرا و کبری کامل می‌چیند. طبق قانون معروف اول یک کبری کلی را ذکر می‌کند: ایها الناس پیغمبر فرمود: هرگاه کسی حکومت ظالم و جائری را ببیند که قانون خدا را عوض می‌کند، حلال را حرام و حرام را حلال می‌کند، بیت المال مسلمین را به میل شخصی مصرف می‌کند، حدود الهی را برهم می‌زند، خون مردم مسلمان را محترم نمی‌شمارد، و در چنین شرایطی ساکت بنشیند، سزاوار است خدا (حقاً خدا چنین می‌کند یعنی در علوم الهی ثابت است چنین ساکتی را به جای چنان جائز و جابری ببرد. بعد صغرای مطلب را ذکر می‌کند: ان هؤلاء... اینها که امروز حکومت می‌کنند (آل امیه، همین طور هستند. آیا نمی‌بینید حرام‌ها را حلال و حلال‌ها را حرام کردند؟ آیا حدود الهی را به هم نزدند، قانون الهی را عوض نکردند؟ آیا بیت المال مسلمین را در اختیار شخصی خودشان قرار ندادند و مانند مال شخصی و برای خودشان مصرف نمی‌کنند؟ بنابر این هر کس که در این شرایط ساکت بماند، مانند آنهاست بعد تطبیق به شخص خود می‌کند «و انا احق من غیر» من از تمام افراد دیگر برای این که دستور جدم را عملی کنم شایسته ترم ابا عبدالله (ع) در چنین جریان‌های ثابت کرد که به خاطر امر به معروف و نهی از منکر، به خاطر این اصل اسلامی می‌توان جان عزیزان و مال و ثروت داد. چه کسی توانسته است در دنیا به اندازه حسین بن علی (ع) به اصل امر به معروف و نهی از منکر ارزش بدهد؟ معنی نهضت حسینی این است که امر به معروف و نهی از منکر آن قدر بالاست که تا این حد در راه آن

می‌توان فداکاری کرد. «اشهد انک قد اقامت الصلوٰه و اتیت الزکوٰه و امرت بالمعروف و نهیت عن المنکر و جاهدت فی الله حق جهاده» «شهادت می‌دهم که تو اقامه نماز کردی و زکات دادی و امر به معروف و نهی از منکر کردی و در راه خدا جهاد نمودی و حق جهاد را به جا آوردی»

امام حسین شأن امر به معروف و نهی از منکر را بالا برد

عنصر امر به معروف و نهی از منکر به نهضت حسینی ارزش داد، امام حسین (ع) هم به امر به معروف و نهی از منکر ارزش داد. امر به معروف و نهی از منکر، نهضت حسینی را بالا برد؛ ولی حسین بن علی (ع) این اصل را به نحوی اجرا کرد که شأن این اصل بالا رفت یک تاج افتخار به سر امر به معروف و نهی از منکر نهاد. حسین بن علی (ع) به اصل امر به معروف و نهی از منکر ارزش و اعتبار داد، آبرو داد به این اصلی که آبروی مسلمین است این اصل آبروی مسلمین است یک تعبیر قرآنی است (کنتم خیر امه اخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر) شما چنین بوده‌اید. شما با ارزش‌ترین ملت‌ها و امت‌هایی هستید که برای مردم به وجود آمده‌اند. ولی چه چیزی به شما ارزش داده است و می‌دهد که اگر آن را دشته باشید با ارزش‌ترین امت‌ها هستید؟ (تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر) اگر امر به معروف و نهی از منکر در میان شما باشد، این اصل به شما امت مسلمانان ارزش می‌دهد. شما به این دلیل با ارزش‌ترین امت‌ها هستید که این اصل را دارید. پس آیا آن روزی که این اصل در میان ما نباشد، یک ملت بی ارزش می‌شویم بلکه همین طور است این امام حسین (ع) بود که ارزش امر به معروف و نهی از منکر را تا این حد بالا برد که درجه و اعتبار ملت‌ها به شمار رود. گاهی ما امر به معروف و نهی از منکر می‌کنیم ولی نه تنها به این اصل ارزش نمی‌دهیم بلکه ارزشش را هم پایین می‌آوریم الآن در ذهن عامه مردم به چه می‌گویند امر به معروف و نهی از منکر؟ یک مسائل جزئی مثلاً اگر امر به معروف و نهی از منکر کسی این باشد که آقا! این انگشتر طلا را از دستت بیرون بیاور، این در جای خودش درست است اما نه این که انسان هیچ منکری را از قبیل دزدی قتل زنا، بی‌حجابی برهنگی و... نبیند یا این که خود را به ندیدن بزند، جز همین مسائل کوچک آن آمران به معروف و ناهیان منکر کشورهای سعودی آبروی امر به معروف و نهی از منکر را برده‌اند. فقط یک شلاق به دست گرفته‌اند که کسی مثلاً قبر پیامبر را نبوسد، این شد نهی از منکر! امام حسین (ع) از بیخ و بن امر به معروف و نهی از منکر، کار او بود. به تمام معروف‌های اسلام نظر داشت و نیز به تمام منکرهای جهان اسلام می‌گفت اولین و بزرگ‌ترین منکر جهان اسلام خود یزید است «فلعمری ما الامام الا العامل بالکتاب القائم بالقسط و الدائن بدین الحق امام و رهبر باید خودش عامل به کتاب باشد، خودش عدالت را به پا دارد و به دین خدا متدین باشد». امام حسین (ع) آنچه را که داشت در راه این اصل در طبق اخلاص گذاشت به مرگ در راه امر به معروف و نهی از منکر زینت بخشید. به این مرگ شکوه و جلال داد. امام حسین (ع) از روز اولی که می‌خواهد از مدینه بیرون بیاید از مرگ زیبا سخن می‌گوید. هر مرگی را نمی‌گفت زیبا، مرگ در راه حق و حقیقت را زیبا می‌دانست «خط الموت علی ولد آدم مخط القلاده علی جید الفتاه؛ چنین مرگی مانند یک گردنبند که برای زن زینت است برای انسان زینت است

اصلی که ضامن بقای اسلام است

امر به معروف و نهی از منکر یگانه اصلی است که ضامن بقای اسلام است اصلاً اگر این اصل نباشد، اسلامی نیست رسیدگی کردن دائم به وضع مسلمین است آیا یک کارخانه بدون بازرسی و رسیدگی دائمی مهندسين متخصص قابل بقاست ابداً جامعه هم چنین است یک جامعه اسلامی البته صد درجه برتر و بالاتر است همانطور که بدن انسان احتیاج به مراقبت دارد، یک جامعه هم‌بینطور است البته در قبال سلامتی انسان تنها خودش مسئول است ولی در جامعه هم مسئول هستند و این بر عهده همه افراد جامعه

است و همه مسئول هستند. حدیثی از امام رضا (ع) هست که از پیامبر اکرم (ص) نقل می‌کنند، می‌فرمایند: «اذا تواكلت الناس الامر بالمعروف و النهی عن المنکر»؛ هر گاه مردم امر به معروف و نهی از منکر را به عهده همدیگر بگذارند» (یعنی هر کس سکوت کند به انتظار اینکه دیگری امر به معروف و نهی از منکر کند و در نتیجه هیچ کس قیام نکند). «فلیأذنوا بوقاع من الله»؛ پس برای عذاب الهی منتظر و آماده باشند. چه عذابی عذاب الهی در آیه قرآن چنین تفسیر شده است (قل هو القادر علی ان یبعث عذاباً من فوقکم او من تحت ارجلکم او یلبسکم شیعاً و یدیق بعضکم بأس بعض : «از عذاب خدا بترسید) بگو خدا قادر است که از بالای سر شما بر شما عذاب بفرستد یا از زیر پای شما عذاب را بجوشاند یا شما را دسته دسته کند، یا اینکه زیان خود شما را به خود شما برساند (یعنی خودتان را به جان یکدیگر بباندازد)». اهل بیت در روایات خود چنین معنی می‌کنند: عذاب بالای سر یعنی شما از مافوقها عذاب می‌بینید، عذاب از زیر پا یعنی از طبقه مادون عذاب می‌بینید. پیغمبر اکرم (ص) فرمود: وقتی مردم امر به معروف و نهی از منکر را رها کنند، منتظر و مطمئن باشند که پشت سر آنها عذاب الهی می‌آید. حدیث دیگری نیز از پیغمبر اکرم (ص) است که می‌فرماید: «لتأمرن بالمعروف و لتنهون عن المنکر او یسلطن الله علیکم شرارکم فیدعوا خیارکم فلا یستجاب لهم : باید امر به معروف و نهی از منکر را داشته باشید. ایندو باید وجود داشته باشند و گرنه بدان بر شما مسلط می‌شوند. بعد خوبان می‌خوانند و به آنها جوابی داده نمی‌شود». اکثراً اینطور معنی می‌کنند که بعد از آنکه بدان شما، بر شما مسلط شدند نیکان شما به درگاه الهی می‌نالند و خداوند دعای آنها را مستجاب نمی‌کند؛ یعنی قومی که امر به معروف و نهی از منکر را رها کنند، خاصیتشان این است که خداوند رحمت خود را از آنها می‌گیرد، هر قدر هم خدا را بخوانند دعای آنها به موجب این گناه مستجاب نمی‌شود. ما چنین اصل قطعی در اسلام داریم و وجود مقدس اباعبدالله (ع) به این اصل استناد کرده است و چنین می‌فهماند که فرضاً مردم کوفه مرا دعوت نمی‌کردند، فرضاً دستگاه یزید از من بیعت نمی‌خواست من به موجب اصل امر به معروف و نهی از منکر ساکت نمی‌نشستم امام حسین (ع) در راه امر به معروف و نهی از منکر یعنی در راه اساسی‌ترین اصلی که ضامن بقای اجتماع اسلامی است کشته شد در راه آن اصلی که اگر نباشد دنبالش متلاشی شدن است دنبالش تفرق است و دنبالش از میان رفتن و گنبدیدن پیکر اجتماع است شهید شدند. آیات قرآن در این زمینه بسیار است قرآن کریم بعضی از جوامع گذشته را که یاد می‌کند، می‌گوید: اینها متلاشی و هلاک شدند، تباہ و منقرض شدند، به موجب اینکه در آنها نیروی اصلاح نبود، نیروی امر به معروف و نهی از منکر نبود، حس امر به معروف و نهی از منکر در میان این مردم زنده نبود، برای همین هلاک شدند.

کم اهمیت شدن این اصل در دنیای اسلام

اگر بخواهیم در موضوع اهمیت و عظمت این اصل از نظر قرآن سنت حدیث و آنچه که در این زمینه وارد شده بگوئیم روایات بسیار است و نشان می‌دهد که اسلام تا چه اندازه به این موضوع اهمیت داده است ولی در طول تاریخ این موضوع به این عظمت و اهمیت در دنیای اسلام هضم و تحلیل رفت و روز به روز کوچکتر شد و باید انصاف داد که از نظر علمی یعنی از نظر بحث در کتابها، سنیها در این مبحث بیش از ما شیعه‌ها بحث کرده‌اند. اگر کتابهای فقهی شیعه از کتاب الصلوٰه گرفته تا کتاب الدیات را در مقابل فقه اهل تسنن قرار دهیم می‌بینیم در مقابل ابواب فقه شیعه در مجموع دقیق تر، مشروح تر و مستدل تر است ولی متأسفانه در کتب فقهی ما در میان همه ابواب باب امر به معروف و نهی از منکر، خیلی کوچک شده است معتزله - که یکی از فرقه‌های متکلمین اهل تسنن هستند - امر به معروف و نهی از منکر را از اصول دین می‌دانند نه از فروع دین شیعه می‌گویند اصول دین پنج تا و فروع دین هشت یا ده تاست و در میان اصول ده گانه امر به معروف و نهی از منکر را ذکر می‌کنند؛ ولی معتزله به پنج اصل در دین قائل هستند که یکی از آنها امر به معروف و نهی از منکر است اما خود اینها، تدریجاً در کتابهای خود از این بحث پرهیز کرده و آن را کوچک کرده‌اند. مورخین اجتماعی می‌گویند: علتش برخوردی بوده که بحث در این موضوع با سیاستهای وقت داشت

چون این بحث به اصطلاح به قبای خلفای وقت برمی‌خورد و برای آنها مزاحمت ایجاد می‌کردند. معتزله مجبور بودند آن را در کتابهای خود نیاورند و یا کم بیاورند. با اینکه اصلی از اصول دینشان بوده است همینطور در میان ما شیعیان نیز این مطلب کوچک شده است تا آنجا که دیگر درباره امر به معروف و نهی از منکر در رساله‌های علمیه چیزی نمی‌نویسند. در میان رساله‌ها، آخرین کتابی که این موضوع را مطرح کرده جامع عباسی شیخ بهایی است که تقریباً مربوط به سه قرن و نیم پیش است امر به معروف و نهی از منکر مثل نماز و روزه است نباید دفن شود. امر به معروف و نهی از منکر، موضوعی نیست که از بین برود، همیشه وجود دارد و باید در رأس مسائل قرار گیرد، تا آن را فراموش نکنیم

امر به معروف و نهی از منکر در قرآن

اگر برای شناخت امر به معروف و نهی از منکر نخواهیم به هیچ کتاب یا احادیث نبوی مراجعه کنیم و تنها خود قرآن را در نظر بگیریم متوجه می‌شویم که این موضوع در این کتاب مقدس آسمانی چقدر تکرار شده است و چه اندازه بدبختی ملل گذشته را مستند می‌کند به اینکه امر به معروف و نهی از منکر نداشتند؛ (فلولا كان من القرون من قبلکم اولوا بقیة ینھون عن الفساد). چرا در نسلهای گذشته یک عده مردم صاحب مایه (مایه عقلی فکری روحی نبودند که با فسادها مبارزه کنند، تا در نتیجه این ملتها در اثر فسادها تباه و منقرض نشوند؟ درباره قوم دیگر می‌فرماید: (کانوا لا یتناھون عن منکر فعلوه لبئس ما کانوا یفعلون : اینها بدبخت و بیچاره شدند، به هلاکت رسیدند، از میان مردم رفتند، چرا؟ چون نهی از منکر نمی‌کردند، و بسیار بد می‌کردند. در جای دیگر خطاب به مسلمانان می‌فرماید: (و لکن منکم امه یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف و ینھون عن المنکر و اولئک هم المفلحون : باید در میان شما یک امت یک جمعیت کارش امر به معروف و نهی از منکر باشد و اگر طور دیگر تفسیر کنیم معنایش این است از شما چنین امتی باید ساخته شود؛ یعنی همه شما باید چنین امتی باشید (امر به معروف و نهی از منکر کنید). هر دو تفسیر درست است و با هم منافات ندارد؛ چون امر به معروف و نهی از منکر یک وظیفه عمومی است برای همه مردم و وظیفه خاصی است برای یک طبقه معین که از حد عامه مردم بیرون است باید در میان شما چنین جمعیتی باشد یا باید شما امت چنین امتی باشید که کارتان دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر باشد. (اولئک هم المفلحون ، تنها چنین امتی که در میان آنها دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر وجود دارد می‌تواند رستگار، سعادت‌مند و مستقل باشد. در سوره آل عمران آیات مربوط به امر به معروف و نهی از منکر، زیاد است یکی از آیات چنین است (واعتصموا بحبل الله جمیعاً و لا تفرقوا). مردم را دعوت به اتحاد و از تفرقه نهی می‌کند و پرهیز می‌دهد: پرهیزید ای مسلمانان از اینکه در میان شما تفرقه و اختلاف وجود داشته باشد. کوشش کنید اختلافاتی که به وجود آمده است حل کنید، اختلافات را کمتر کنید و دائماً شکافها را زیاد نکنید. از این شکافها که روز به روز بیشتر می‌شود، چه کسانی استفاده می‌برند؟ آیا غیر از دشمن اسلام کس دیگری استفاده می‌برد؟ آیا دشمن اسلام غیر از این می‌خواهد که ما با نامهای مختلف مذهبی و فرقه‌ای دائماً به جان یکدیگر بیفتیم و یکدیگر را فحش بدهیم قرآن می‌گوید: از تفرقه پرهیزید، بعد می‌فرماید: (ولکن منکم امه یدعون الی الخیر) در میان شما باید جمعیتی باشد که همیشه مسلمین را دعوت به وحدت و اتحاد کند و با تفرقه‌هایی که میان مسلمین است مبارزه کنند. مثل اینکه در اینجا منظور قرآن از «خیر»، بیشتر همان اتحاد است بعد می‌فرماید: (و لا تکنوا کالذین تفرقوا و اختلفوا): مانند جمعیت‌هایی که متفرق و مختلف شدند، دسته دسته و فرقه فرقه شدند، نباشید. قرآن در میان خیرها، حسن تفاهم وحدت و اتفاق میان مسلمین را خیری که مبدأ همه خیرهاست می‌داند و در میان منکرات و زشتیها و پلیدیها آن را که از همه پلیدتر و زشت‌تر می‌داند، اختلاف و تفرقه است به هر نام و عنوانی آیه دیگر می‌فرماید: (کنتم خیر امه اخرجت للناس : مسلمانان شما بهترین امتی هستید که به نفع بشریت ظهور کرده‌اید، یعنی ملتی بهتر از شما به نفع بشریت ظهور نکرده است چرا؟ به موجب چه خاصیتی (تأمرون بالمعروف و تنھون عن المنکر): به دلیل آنکه شما آمر به معروف و ناهی از منکر هستید. از همین آیه

باید بفهمیم که ما بهترین امتها برای بشر نیستیم چون ما آمر به معروف و ناهی از منکر نیستیم در هر روز شاهد هزاران فساد و منکر هستیم ولی دم بر نمی آوریم در نتیجه نمی توانیم ادعای شرف و بزرگی کنیم نمی توانیم افتخاری داشته باشیم چون اسلام ما یک اسلام واقعی نیست

حرف آخر

کاش همیشه به خودمان یادآور می شدیم که ما حسین را نگهداری نکرده ایم حسین بوده است که تاکنون ما را نگهداری کرده است به قول اقبال لاهوری «هیچ وقت مسلمانان اسلام را نگهداری نکرده اند، همیشه اسلام بوده که مسلمانان را نگهداری کرده است. پس ما هم باید زبان اسلام را زنده نگه داریم شاید این حداقل کاری باشد که بتوانیم برای اسلام انجام دهیم زبان عربی زبان عرب نیست زبان اسلام است اگر قرآن نبود اصلاً این زبان در دنیا وجود نداشت از اهم وظایف ما این است که این زبان را حفظ کنیم هر فرهنگی و هر تمدنی اگر بخواهد زنده باشد، باید زبانش زنده باشد، اگر زبانش مرد، خودش مرده است این مبارزه علنی را که با زبان عربی می بینیم به خدا مبارزه با اسلام است چون کسی که با حروف الفبا مبارزه ندارد. ما در مقابل زبان عربی وظیفه داریم که این زبان اسلام را حفظ کنیم و نگهداری کنیم این همه انگلیسی زبانها، زبانشان را تبلیغ کرده اند و آن را آنچنان به ما تحمیل کرده اند که تا اندرون خانه های ما نفوذ کرده است برای چه برای اینکه عادتشان را به ما تحمیل کنند، افکار و تمدن خودشان را، تحمیل کنند و برای اینکه روح ما را خرد کنند. چقدر ما مسلمانها غافل بودیم و هستیم نه تنها ایرانیها، بلکه به هر کجای دنیای اسلام هم که قدم بگذاریم می بینیم که قرنها در خواب بوده ایم و این بر خلاف دین ماست چون دین اسلام دین بیداری و دین هوشیاریست چقدر باید متأسف و متأثر باشیم که دو نفر مسلمان از دو کشور مختلف وقتی یکدیگر را در مکه یا مدینه ملاقات می کنند، زبان یکدیگر را نمی فهمند و باید با زبان انگلیسی تفاهم کنند. اینها نقشه های چهارصد ساله است آیا هنوز وقت آن نرسیده که ما اندکی در مقابل این نقشه ها بیدار شویم (کنتم خیر امه اخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر).

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف

مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۹۰ IR

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

